

# مقدمه مؤلفان

یه سلام پاییزی خدمت همه دانش‌آموزای دهمی که قراره همراهان جدید ما در درس عربی باشن و به کمک هم برای امتحان نهایی عربی پایه دهم آماده بشیم ...

بچه‌ها! از وقتی که قرار شد دروس پایه دهم هم در نتیجه کنکور دارای تأثیر قطعی بشه، ما به تکاپو افتادیم که خب ... چه کنیم که بهترین کمک برای عزیزان دهمی ما در درس شیرین عربی باشه؟ ... خیلی فکر کردیم و مشورت کردیم و ... خلاصه تصمیم گرفتیم که یه کتاب کامل و همه‌چی تموم براتون آماده کنیم که همه جوانب امتحان نهایی رو پوشش بده و بتونه شما رو برای کسب نمره کامل یعنی بیست آماده کنه؛ پس با توکل بر خدا کار رو آغاز کردیم و این کتاب پربار رو نوشتیم. حالا بریم ببینیم این کتاب چه بخش‌هایی داره و چه‌جوری باید باهاش ارتباط بگیریم!

هر درس رو با قسمت «واژگان» شروع کردیم که همه واژه‌های مهم درس رو با ترجمه و بیان نکات مهم و طلایی آوردیم. این واژگان رو به همون ترتیبی که در کتاب اومده، آوردیم که شما بتونین خطبه‌خط از روی کتاب درسی جلو برین و تموم واژه‌های مهم رو یک دور مرور کنین. تازه نکات طلایی و دام‌های اون واژه رو هم یاد بگیرین. این نکات طلایی گاهی شامل نکات قواعدی اون کلمه هست که در درس‌های گذشته خونیدید، گاهی شکل مفرد یا جمع اون کلمه است و گاهی هم مترادف و متضاد اون کلمه و گاهی هم دام‌هایی در مورد اون واژه که ممکنه یه تله بزرگ برای شما باشه و ما خواستیم پیشاپیش بهتون یاد بدیم.

بعد از بخش واژگان می‌رسیم به جملات مهم متن درس و تمرینات که این دفعه براتون ترجمه نکردیم، بلکه سعی کردیم به صورت جای خالی و دوگزینه‌ای و ترجمه غلط و ... بیاریم که هم جملات مهم متن درس و تمرینات رو ببینین، هم با همکاری خودتون ترجمه‌شون کنیم که همیشه یادتون بمونه!

قسمت بعدی هر درس هم **سؤالات مربوط به ترجمه واژگان و جملات مهم** هست که تیپ‌های امتحان نهایی مربوط به اون درس رو براتون آوردیم. مطمئن باشین اگر همین سؤالات رو به طور کامل پاسخ بدین، نمره کامل این بخش توی امتحان نهایی رو شاخه‌ش!!! ترجمه واژه در قالب جمله، نوشتن مترادف و متضاد و جمع و مفرد، ترجمه دوگزینه‌ای، پرکردن جای خالی و اصلاح ترجمه غلط بخش‌هایی از این قسمت مهم هستند.

اما قسمت بعدی هر درس که تدریس قواعد درس به همراه حل نمونه سؤالات از قواعد هست؛ نمونه سؤالاتی که عمدتاً از متن دروس قبلی آوردیم و سعی کردیم کم‌تر از متن همان درس در این قسمت استفاده کنیم. در بخش قواعد سعی کردیم همه نکات امتحانی کتاب درسی رو بیان کنیم که بهترین نمره امتحان رو کسب کنین.

بعد از تدریس قواعد، نمونه سؤالات قواعدی هر درس اومده که این‌جا هم سعی شده تمام تیپ‌های امتحان عربی نهایی رو بیاریم که از همین الان با سبک امتحان نهایی آشنا بشین و خدای نکرده سر جلسه امتحان نهایی براتون غریب نباشه. راستی در پایان هر درس هم یه امتحان شبه‌نهایی آوردیم که خیلییییییی شبیه به امتحان نهایی طرح شده، اما برای دیدنش باید لطف کنین لینک QR-code رو با گوشیاتون اسکن کنین و به صورت PDF ببینیدش!

در انتهای کتاب دو نمونه امتحان ترم اول و همین‌طور چهارتا امتحان شبه‌نهایی از کل کتاب آوردیم که خیلی آماده بشین! راستی پاسخ‌نامه تشریحی همه سؤالات کتاب رو هم آوردیم که تا اونا رو نخونین، یادگیری تون کامل نمی‌شه! بچه‌های عزیز سال دهم! نکته مهم و کاربردی اینه که مطالب عربی دهم بسیار پایه‌ای و اساسی برای یادگیری عربی یازدهم و دوازدهم هست و باید سعی کنین امسال یه تلاش جانانه توی عربی داشته باشین و حسابی روی این درس وقت بگذارین و مطمئن باشین ضرر نمی‌کنین!

در آماده‌سازی این کتاب عزیزان بسیاری به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش داشتن که جا داره از تک‌تکشون تشکر کنیم؛ خانواده‌های عزیزمون که اگر همراهی اون‌ها نبود که ما حالا حالاها نمی‌تونستیم تألیف رو تموم کنیم. همکاران محترم انتشارات وزین خیلی سبز که جز با یاری و مساعدت‌هاشون کار به این خوبی انجام نمی‌شد خصوصاً آقای احمد علی‌نژاد که لحظه‌به‌لحظه همراهمون بودن و با نظرات کارشناسانه این کتاب رو به نتیجه رسوندن! همین‌طور همکاران محترم و اساتید زبان عربی که در ویراستاری این کتاب خیلی زحمت کشیدن خصوصاً خانم منیژه خسروی، خانم مهدیه زندیه و آقای محمد رضی. همین‌طور سایر همکاران محترم واحدهای فنی، تولید، فروش، مدیریت پروژه، روابط عمومی و ... انتشارات خیلی سبز که در تکمیل این کتاب نقششون بسیار مهم و ستودنیه.

در پایان از همه همکاران گرامی و معلمان دلسوز درس عربی و دانش‌آموزان با سواد و دقیق خواستاریم هر پیشنهاد یا انتقادی در جهت ارتقای کتاب دارن، از طریق ایمیل [Hashemi.hadi2000@gmail.com](mailto:Hashemi.hadi2000@gmail.com) با ما در میون بگذارن.

# فهرست مطالب

## درس اول: ذاک هو الله

صفحه	پخش اول: واژگان و ترجمه	۵
	پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۶
	پخش سوم: قواعد درس - صیغ الأفعال، الضمائر، معنى الأفعال	۸
	پخش چهارم: سوالات قواعد	۱۶
	آزمون شبه‌نهایی درس ۱	۱۶

## درس دوم: المواعظ العددية

پخش اول: واژگان و ترجمه	۱۷
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۱۹
پخش سوم: قواعد درس - الأعداد من واحد إلى مئة	۲۰
پخش چهارم: سوالات قواعد	۲۳
آزمون شبه‌نهایی درس ۲	۲۴

## درس سوم: مظهر الشك

پخش اول: واژگان و ترجمه	۲۵
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۲۸
پخش سوم: قواعد درس - أشكال الأفعال (۱)	۳۱
پخش چهارم: سوالات قواعد	۳۴
آزمون شبه‌نهایی درس ۳	۳۵

## درس چهارم: التعانیش السلمي

پخش اول: واژگان و ترجمه	۳۶
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۳۹
پخش سوم: قواعد درس - أشكال الأفعال (۲)	۴۱
پخش چهارم: سوالات قواعد	۴۴
آزمون شبه‌نهایی درس ۴	۴۵

## درس پنجم: ﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾

پخش اول: واژگان و ترجمه	۴۶
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۴۹
پخش سوم: قواعد درس - الجملة الفعلية و الإسمية	۵۲
پخش چهارم: سوالات قواعد	۵۵
آزمون شبه‌نهایی درس ۵	۵۶

## درس ششم: ذوالقرنین

صفحه	پخش اول: واژگان و ترجمه	۵۷
	پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۶۰
	پخش سوم: قواعد درس - الفعل المجهول	۶۲
	پخش چهارم: سوالات قواعد	۶۳
	آزمون شبه‌نهایی درس ۶	۶۴

## درس هفتم: يامن في البحار عجايبه

پخش اول: واژگان و ترجمه	۶۵
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۶۸
پخش سوم: قواعد درس - أجزاؤه و المجرور و نون الوقاية	۷۰
پخش چهارم: سوالات قواعد	۷۲
آزمون شبه‌نهایی درس ۷	۷۳

## درس هشتم: صناعة التلميح في الأدب الفارسي

پخش اول: واژگان و ترجمه	۷۴
پخش دوم: سوالات واژگان و ترجمه	۷۷
پخش سوم: قواعد درس - اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة	۷۹
پخش چهارم: سوالات قواعد	۸۲
آزمون شبه‌نهایی درس ۸	۸۳
پاسخ‌های تشریحی کتاب	۸۵

## ضمیمه: امتحانات شبیه‌ساز نهایی

امتحان شماره ۱: نوبت اول (میان سال)	۱۰۲
امتحان شماره ۲: نوبت اول (میان سال)	۱۰۴
امتحان شماره ۳: نوبت دوم (پایان سال)	۱۰۶
امتحان شماره ۴: نوبت دوم (پایان سال)	۱۰۸
امتحان شماره ۵: نوبت دوم (پایان سال)	۱۱۰
امتحان شماره ۶: نوبت دوم (پایان سال)	۱۱۲
پاسخ امتحانات	۱۱۴



# ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ

التَّعَاُفُ

## الدَّرْسُ الأول

### واژگان و ترجمه

### بخش اول:

#### واژگان

واژه و نکات طلایی	ترجمه	واژه	واژه و نکات طلایی	ترجمه	واژه
مفرد: الدَّر	مرواریدها	الدَّرَر	—	ستایش	الحمد
جمع مکسر: الغيوم	ابر	الغيم	«ل» به الله بچسبد، «ا» اول «الله» حذف می‌شود.	برای خداوند، مال خداوند	لله: ل + الله
جمع مکسر: أمطار	باران	مَطَر	جمع مؤنث سالم: السَّمَاء	آسمان‌ها	السَّمَاوَات
—	آشنایی	التَّعَاُفُ	مؤنث معنوی	زمین	الأرض
«الأمطار: باران‌ها» یا «المَطَر: باران»	فرودگاه	مَطَار	فعل امر	نگاه کن، ببین	أَنْظُرْ
اصطلاح	صبح بخیر	صَبَاحَ الْخَيْرِ	این کلمه را با «ذات» به معنای «درون، باطن» اشتباه نگیرید.	دارای	ذات
اصطلاح در پاسخ «صبح‌الخير»	صبح به خیر - صبح نورانی و شاد	صَبَاحَ النُّورِ و الشُّرُور	مفرد: العَصْن	شاخه‌ها	العُصُون
اسم اما در معنای فعل!	ببخشید	عَفْوًا	فعل ماضی «نما» - مضارع «يَنمو»	رشد کرد	نَمَت
—	اهل کجایی؟	مِنْ أَيْنَ؟	جمع مکسر: حُبُوب	دانه	حَبَّة
—	نام شریف‌تان چیست؟	مَا اسْمُكَ الْكَرِيمِ؟	فعل امر	جست‌وجو کن، بگرد	إِبْحَثْ
اصطلاح	متأسفانه	مَعَ الْأَسْفِ	مترادف: مَن هذا	این چه کسی است؟	مَن ذَا
اصطلاح برای خداحافظی	به امید دیدار	إِلَى اللَّقَاءِ	فعل مضارع	بیرون می‌آورد	يُخْرِجُ
اصطلاح برای خداحافظی	در امان خدا، خدا نگهدار	فِي أَمَانِ اللَّهِ	مؤنث معنوی	خورشید	الشَّمْسُ
مفرد: الحجر	سنگ‌ها	الأحجار	—	فروزان	مُسْتَعْرَة
متضاد: الرِّخِصَة	گران	الغالية	مترادف صُوء	نور، روشنائی	ضياء
جمع مکسر: الألوان	رنگ	اللون	—	پراکنده	مُنْتَشِرَة
مؤنث: البِيضاء	سفید	الأبيض	«وَجَدَ: یافت»	به وجود آورد، پدید آورد	أَوْجَدَ
جمع مکسر: كواكب	سیاره	كوكب	—	پاره آتش	الشَّرَرَة
مفرد: الملابس	لباس‌ها	الملايس	مفرد: نِعْمَة - مترادف: نَعْم	نعمت‌ها	أَنْعَمَ
جمع: الفساتين	پیراهن زنانه	الفستاتين	—	ریزان	مُنْهَمِرَة
مفرد: فائزة	برنده‌ها	فائزات	—	کامل	بالقَة
—	باطری	البطارية	فعل ماضی - مضارع «يَزِينُ»	زینت داد	زَانَ
—	—	—	مفرد: نَجْم - مترادف: نُجُوم	ستارگان	أَنْجَمَ

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
شراء	خریدن	متضاد: بیع
مسموح	مُجاز	متضاد: ممنوع
مُجِدِّ	کوشا	مترادف: مُجْتَهِد
يَتَفَكَّرُونَ	می‌اندیشند	فعل مضارع
رَبَّنَا	ای پروردگار ما	—

واژه	ترجمه	توضیح و نکات طلایی
الأصدقاء	دوستان	مفرد: الصديق - متضاد: الأعداء، العدى
نَامَ	خوابید	مضارع: يَنَامُ - مترادف: رَقَدَ
نِهَابَةٌ	پایان	متضاد: بَدَايَةٌ - «نِهَابَةٌ» نادرست است.
ناجِح	پیروز، موفق	مترادف: فائِز، متضاد: راسِب
مَسْرُور	شاد	متضاد: حَزِين
يَمِين	راست	متضاد: يَسَار

کار با متن

معنی	فعالیت	ترجمه
۱ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾	کَمَل ←	..... از آن خدایی است که ..... و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را .....
۲ أَنْظُرُ لَيْلِكَ الشَّجَرَةَ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةَ	کَمَل ←	به آن درخت ..... که دارای ..... تر و تازه است.
۳ كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَكَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً	صَحَّح (۲) ←	چگونه از دانه‌ای به وجود آمد و چگونه درختی را ساخت؟
۴ فَابْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَخْرِجُ مِنْهَا النَّوْمَةَ	إِنْتَخِب ←	<input type="checkbox"/> (۱) پس سخن بگو و بگو چگونه از آن میوه‌های بیرون آمد؟ <input type="checkbox"/> (۲) پس جست‌وجو کن و بگو چه کسی از آن میوه بیرون می‌آورد؟
۵ وَ انظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدَّوْتَهَا مُسْتَوْرَةً	کَمَل ←	و به خورشید بنگر که پاره آتش آن ..... است. <input type="checkbox"/> (۱) فروزان <input type="checkbox"/> (۲) نمایان
۶ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ	إِنْتَخِب ←	چه کسی آن را مانند ..... در فضا ..... <input type="checkbox"/> (۱) پاره آتش - یافت <input type="checkbox"/> (۲) اخگر - به وجود آورد
۷ ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمْ لَهُ	صَحَّح (۲) ←	او همان خدایی است که نعمتش همیشگی است.
۸ وَ زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ	إِنْتَخِب ←	<input type="checkbox"/> (۱) و ستارگانش را زینت داد، گویی مروارید پخش شده‌اند! <input type="checkbox"/> (۲) و آن را با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده زینت داد!

سایر جملات مهم درس

۹ الْعَبِيمُ يُخَازِ مُتْرَاكِمٍ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.	کَمَل ←	ابر، بخاری ..... در آسمان است که از آن ..... فرود می‌آید.
۱۰ ﴿يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾	إِنْتَخِب ←	<input type="checkbox"/> (۱) در آفرینش آسمان و زمین‌ها می‌اندیشیدند. <input type="checkbox"/> (۲) در آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.
۱۱ ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾	کَمَل ←	..... این را ..... نیافریدی.

سوالات واژگان و ترجمه

بخش دوم

اجعل كل كلمة من السطر التالي في مكانها المناسب. (کلمات زائدتان)

قليل - الصديق - العليم - الظلمة - مسموح - المطر - مسرور - بداية - أوجد - مرارة - نام - ناجح - قريب - جميل - نور

- |                    |                   |                   |
|--------------------|-------------------|-------------------|
| ..... = ۱۲- السحاب | ..... ≠ ۱۳- كثير  | ..... ≠ ۱۴- العدو |
| ..... ≠ ۱۵- الضياء | ..... = ۱۶- أنشأ  | ..... = ۱۷- رقد   |
| ..... ≠ ۱۸- حزين   | ..... ≠ ۱۹- بعيد  | ..... ≠ ۲۰- قبيح  |
| ..... ≠ ۲۱- نهاية  | ..... ≠ ۲۲- ممنوع | ..... ≠ ۲۳- راسب  |

## اكتب كلمة مناسبة حسب التوضيحات.

- ۲۴- هو ..... الذي أنعمه منهمرة.  
 ۲۵- في ..... ضياء و حرارة و جذوتها مستعرة.  
 ۲۶- ..... بخار متراكم في السماء ينزل منه المطر.  
 ۲۷- ..... كوكب يدور حول الأرض و ضوءه من الشمس.  
 ۲۸- تزين المرأة نفسها ب ..... و هي من الأحجار الجميلة.  
 ۲۹- نمت الشجرة من .....  
 ۳۰- من الملابس النسائية ذات الألوان المختلفة.  
 ۳۱- قطعة مفصلة من التار المستعرة.
- الجو  الغيم  الله   
 الشمس  القمر  الثور   
 الشجرة  الغيم  النجم   
 الثمرة  المطر  القمر   
 الفستان  الدرر  الملابس   
 ورقة  حبة  حرارة   
 الأنعم  الفستان  الدرر   
 الشرة  القمر  الضياء

## اكتب كلمة تناسب الصور.



۳۶-



۳۵-



۳۴-



۳۳-



۳۲-

## اكتب ما يطلب منك.

- ۳۷- الغيمة  جمع  
 ۳۸- الأنعم  مفرد  
 ۳۹- الدرر  جمع  
 ۴۰- الحجر  جمع  
 ۴۱- العنن  جمع  
 ۴۲- الشجر  جمع  
 ۴۳- الأنجم  مفرد  
 ۴۴- ألوان  مفرد

## انتخب الكلمة الغريبة.

- ۴۵- (۱) ورق  (۲) شجرة   
 ۴۶- (۱) كثيرة  (۲) منهمرة   
 ۴۷- (۱) مطار  (۲) سحاب   
 ۴۸- (۱) حرارة  (۲) نصرة   
 ۴۹- (۱) لون  (۲) شتاء   
 ۵۰- (۱) أكبر  (۲) أحمر   
 (۳) ليل  (۴) غصن   
 (۳) وافية  (۴) جذوة   
 (۳) مطر  (۴) غيم   
 (۳) جذوة  (۴) شرة   
 (۳) ربيع  (۴) حريف   
 (۳) أخضر  (۴) أزرق

## اكتب معنى المفردات التي تحتها خط.

- ۵۱- أنظر إلى الغيم فَمَنْ أنزل منه مطره؟  
 ۵۳- كيف نمت من حبة؟  
 ۵۵- و زانه بأنجم.  
 ۵۷- فيها ضياء و بها حرارة منتشرة.
- ۵۲- هو الله الذي أنعمه منهمرة.  
 ۵۴- فأبحث و قل من ذا الذي يخرج منها الثمرة؟  
 ۵۶- أنظر إلى الشمس التي جذوتها مستعرة.  
 ۵۸- من أوجد فيه قمره؟

## انتخب كلمة مناسبة لل فراغ.

- ۵۹- قال أحد الموظفین في ..... المطار.  
 ۶۰- ..... قطعة من التار.  
 ۶۱- ..... حالك؟ أنا بخير.  
 ۶۲- قول ..... نصف العلم.  
 ۶۳- هل ..... إلى إيران حتى الآن يا صديقي؟
- دار  قاعة  مرقد   
 الشرة  الدرر  القمر   
 ماذا  كيف  أين   
 ما أنزل  لا يخلق  لا أعلم   
 أسافر  سافروا  سافرت

- ۶۴- زَانَ اللّٰهُ اللَّيْلُ بِ.....  
 ۶۵- تَلَكُ الشَّجَرَةُ ذَاتُ الْعُصُونِ .....  
 ۶۶- كَيْفَ ..... الْأَرْضُ مُخَضَّرَةٌ؟
- العُيُومِ □ العُصُونِ □ التَّجُومِ  
 □ الرِّحِيصَةَ □ التَّضْرَةَ □ الشَّرْرَةَ  
 □ صَارَتْ □ أَزَلَّتْ □ أَثْمَرَتْ

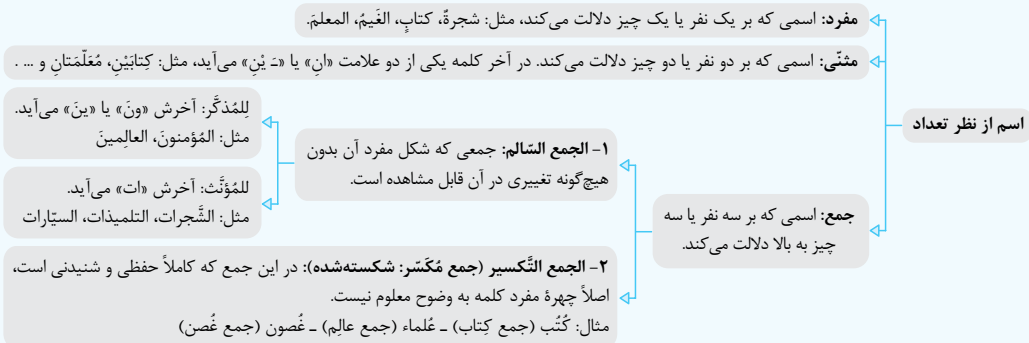
ترجم عبارات.

- ۶۷- ما سافرتُ حتَّى الآنَ لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أسَافِرَ.  
 ۶۸- نَمَتِ الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ وَ صَارَتْ شَجَرَةً مُرْتَفَعَةً.  
 ۶۹- وَ بَحَثَ عَنِ الْأَشْجَارِ وَقَالَ مَنْ يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ؟  
 ۷۰- ﴿ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ﴾

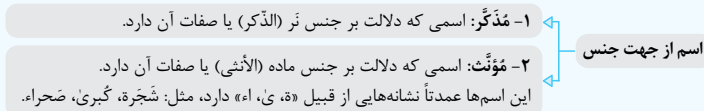
بخش سوم: قواعد درس - صيغ الأفعال، الضمائر، معنى الأفعال

در درس اول عربی سال دهم مهم ترین قواعد سال های هفتم تا نهم را مرور می کنیم.

اسمها از نظر تعداد به سه دسته مفرد، مثنی و جمع تقسیم می شوند که در زیر با آنها آشنا می شویم:



اسمها از نظر جنس به دو نوع مذکر و مؤنث تقسیم می شوند:



راه تشخیص جنس یک اسم

مهم ترین نشانه مؤنث یا مذکر بودن یک اسم، معنا و حقیقت آن است. به عنوان مثال «حمزة» مذکر است هر چند «ة» دارد و «زینب» مؤنث است اگر چه «ة» ندارد. اسامی مانند «آم، بنت، أخت و ...» نیز به همین صورت اند.

نکات ۱ «ت» نشانه مؤنث نیست. مثلاً «البيت، الصوت، الموت، الوقت و ...» مذکر هستند.

۲ «ی، اء» زمانی نشانه مؤنث است که جزء ریشه کلمه (سه حرف اصلی) نباشد، یعنی این که اگر «ی، اء» را برداریم، حداقل سه حرف باقی بماند. مثال: صحراء (مؤنث)، ماء (مذکر)، هدی = هدایت (مذکر)



مؤنث های معنوی: اسامی که حقیقت و واقعیت ماده ندارند و نشانه های تأنیث (ة، ی، اء) را ندارند، مؤنث های معنوی می نامیم که در زبان عربی مؤنث به شمار می آیند.

مثال: أرض: زمین - شمس: خورشید - حزب: جنگ - بئر: چاه - نفس: وجود - ريح: باد - دار: خانه - نار: آتش - جهنم: دوزخ - سماء: آسمان و ...  
 اعضاء زوج بدن: ید: دست - عین: چشم - رجل: پا - اذن: گوش - کتف = کتف: شانه - کف: کف دست  
 نام کشورها، شهرها و اماکن (چه عربی چه غیرعربی): ایران، حجاز، طهران، ...

نکته: اگر اسمی جمع مکسر باشد، برای تشخیص در مورد جنس (مذکر و مؤنث) ابتدا باید آن را مفرد کنیم و از مفرد آن، جنس را تشخیص دهیم. پس هر اسم مفردی که مذکر باشد، جمعش هم مذکر است، حتی اگر نشانه تأنیث داشته باشد.

مثال: الطالب (دانش آموزان) - القائد (رهبر) - القادة (رهبران) - الأخ (خواه) - إخوان (برادران)



## دام‌های مهم و کاربردی

- ۱ اسم دارای «ة» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثل حَمْرَة، طَلْحَة، مُعَاوِیَة یا جمع مکسر باشد، مثل طَلْبَة (ج طالب)، إِخْوَة (ج أخ)، قَادَة (ج قائد)، سَادَة (ج سَیِّد) و ...
- ۲ اسم دارای «ان» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** نسیان: فراموشی، دُورَان: چرخش، جَرَّیَان: جاری شدن، عَطْشَان: تشنه، جَوْعَان: گرسنه، غُضْبَان: خشمگین، غُضْبَان: نافرمانی، فُستَان: لباس زنانه و ... یا جمع مکسر باشد، **مثال** أَعْصَان (ج عُصْن)، أَلْوَان (ج لَوْن)، أَدْیَان (ج دین)، غَزَالَان (ج غَزَال)، إِخْوَان (ج أخ)، أَحْزَان (ج حُزْن) و ...
- ۳ اسم دارای «ین» نشانهٔ مثنی یا «ین» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** دین، مِسْکِین و... یا جمع مکسر باشد، مثل مُضَامِین (ج مَضْمُون)، قَوَانِین (ج قانون)، شَیْطَانِین (ج شیطان)، دَوَاوِین (ج دیوان)، مِیَادِین (ج میدان)، فُستَانِین (ج فُستَان)، سَلَاطِین (ج سُلْطَان)، بَسَاتِین (ج بُسْتَان) و ...
- ۴ اسم دارای «ات» ممکن است مفرد مذکر باشد، مثل ذات: درون، دارای، نَبَات: گیاه و ... یا جمع مکسر باشد، **مثال** أَصْوَات (ج صَوْت)، أَوْقَات (ج وَقْت)، أَمْوَات (ج، مِیْت)، أُبْیَات (ج نَبِیْت)، بَنَات (ج بِنْت) و ...
- ۵ اسم دارای «ون» ممکن است مفرد مذکر باشد، **مثال** دُون: به جز، جُنُون: دیوانگی یا جمع مکسر باشد، مثل عُصُون (ج عُصْن)، دُیُون (ج دین)، فُنُون (ج فَن)، عُیُون (ج عَیْن: چشمه)، قُرُون (قَرْن) و ...

## ضع هذه الجمل و التراكيب في مكانها المناسب ثم ترجمها.

الحمد - السماوات - العُصون - فائزات - الشمسی - جذوتین - أنعم - أنجم - الصالحون - مطاران - الإسلامیة -  
اللقاء - أبحاثاً - دقة - كواكب - النار - عقارب

مفرد مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مذکر	مثنی مؤنث	جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
.....-۷۱	.....-۷۲	.....-۷۳	.....-۷۴	.....-۷۵	.....-۷۶	.....-۷۷

۷۸- عین نوع الجمع في العبارات التالية.

الف) أُنشِدَ الشَّاعِرُ قَصِيدَةً طَوِيلَةً، الأَبْيَاتُ الْجَمِيلَةَ فِيهَا كَثِيرَةٌ! (ب) اِسْتَمَعْنَا إِلَى أَصْوَاتِ الطَّيُورِ فِي الْغَايَةِ وَ هِيَ جَمِيلَةٌ وَ كَثِيرَةٌ!

۷۹- عین ما فيه جمع سالم للمذکر.

- ۱) إِنْ كُنْتَ مِنَ الضَّامِّينَ فَلَا تَكْذِبْ فِي أَعْمَالِكَ! □ ۲) لِكُلِّ بَلَدٍ قَوَانِينُ خَاصَّةٌ يَجِبُ عَلَى النَّاسِ اتِّبَاعُهَا!

## وزن کلمات در عربی

تمامی اسم‌ها و فعل‌ها در عربی دارای وزن هستند. وزن کلمات را با یافتن حروف اصلی (ریشه) کلمه و قراردادن سه حرف «ف، ع، ل» به جای این سه حرف می‌یابیم.

**مثال** جاهد از ریشه «جهد» بر وزن فاعل - مُتَعَلَّم از ریشه «علم» بر وزن «مَتَفَعَّل» - مُشَاهِدَة از ریشه «شهد» بر وزن «مُفَاعَلَة»

۸۰- اکتب وزن الكلمات.

نُضْرَة / يُخْرِجُ / مُسْتَعْرَظَة / أَوْجَدَ / أَنْعَمَ / بِالْعَيْةِ / تَعَاذَفَ / أَشْرَفَ / أَحْجَارٌ / غَالِيَةٌ / مَلَابِسٌ / صَبَارٌ / مَسْمُوحٌ / مُجَدِّدٌ / يَتَفَكَّرُونَ

## اسامی اشاره در عربی

اسم‌های اشاره قبل از کلمات به کار رفته و معنای «این، آن، این‌ها و ...» می‌دهند.

مکان	جمع مؤنث	مثنی مؤنث	مفرد مؤنث	جمع مذکر	مثنی مذکر	مفرد مذکر	للقرب (نزدیک)	للبعيد (دور)
هنا: این‌جا	هؤلاء	هاتان، هاتین	هذه	هؤلاء	هذان، هذین	هذا		
هناك: آن‌جا	اولئک	—	تلك	اولئک	—	ذلك		

۸۱- اسم اشاره برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هذه، تلك) به کار می‌رود، **مثال** هذه الشَّجَرَات، تلك الأیام.

۸۱- ضَعِ اسْمَ الْإِشَارَةِ الْمُنَاسِبَةَ.

..... السَّمَاوَاتِ ..... البَطَارِيَّةُ ..... التَّوَرُ ..... العُصُونِ  
..... الثَّمَرَةَ ..... حِكْمَةً ..... الدَّرَرِ ..... المَطَرِ

تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ.

- ۸۲- تلك شجرة نظرها في الحديقة كل يوم:  
 ۸۳- هؤلاء المؤمنون يُصَلُّونَ في المساجد:

اسم موصول در عربی

اسامی موصول کلماتی هستند که برای وصل کردن کلمات به کار می‌روند و معنای «که، این‌که» دارند.

مفرد مذکر	مثنی مذکر	جمع مذکر	مفرد مؤنث	مثنی مؤنث	جمع مؤنث
الَّذِي	الَّذَانِ، اللَّذَيْنِ	الَّذِينَ	الَّتِي	الَّتَانِ، اللَّتَيْنِ	الَّتَاتِي
مَنْ					خاص
مَا					عام (انسان)
					عام (غير انسان)

**نکته** اسم موصول برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (الَّتِي) به کار می‌رود. **مثال** هذه الشَّجَرَاتُ الَّتِي، تلك الأَيَّامُ الَّتِي

كَمِّلِ الْفَرَاغَ بِالْمَوْصُولِ الْمُنَاسِبِ.

- ۸۴- الْحَمْدُ لِلَّهِ ..... خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ.  
 ۸۵- وَانظُرْ إِلَى الشَّمْسِ ..... جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَه  
 ۸۶- تِلْكَ الشَّجَرَةُ ..... نَنْظُرُهَا ذَاتَ الْعُصُونِ النَّضْرَةَ.  
 ۸۷- انظُرْ إِلَى اللَّيْلِ ..... فِيهِ قَمَرَه.  
 ۸۸- الْفُسْتَانَ مِنَ الْمَلَابِسِ التَّسَائِيَةِ ..... لَهَا أَلْوَانٌ مُخْتَلِفَةٌ.

ضمایر

اسم‌هایی که معنای «او، تو، من، ما، شما و ...» دارند و گاهی به آخر کلمات می‌چسبند و گاهی هم جدا می‌آیند و از تکرار بی‌مورد اسم‌ها در جمله جلوگیری می‌کنند.

صیغه	ضمیر منفصل (جدا)	ضمیر متصل به فعل ماضی	ضمیر متصل به فعل مضارع	ضمایر متصل به اسم و فعل و حرف
لِالْغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ*	هـ
لِلْغَائِبِينَ	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ	هما
لِلْغَائِبِينَ	هُمْ	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ	هم
لِلْغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ*	ها
لِلْغَائِبَتَيْنِ	هُمَا	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ	هما
لِلْغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ	هنَّ
لِلْمُخَاطَبِ	أَنْتَ	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ*	كَ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	كُما
لِلْمُخَاطَبِينَ	أَنْتُمْ	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ	كُم
لِلْمُخَاطَبَةِ	أَنْتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ	كِ
لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	أَنْتُمَا	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ	كُما
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أَنْتُنَّ	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبْنَ	كُنَّ
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أَنَا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ*	ي
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نَحْنُ	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ*	نا



## نکات مهم در مورد ضمائر

- ضمائر متصل به اسم و فعل و حرف (ه، هما، هم)؛
- اگر به آخر فعل‌ها بچسبند، صدرصد مفعول هستند. ﴿ تَرَاهُمْ: آن‌ها را می‌بینی.﴾
- اگر به آخر اسم‌ها بچسبند، صدرصد مضاف‌الیه هستند. ﴿ مَدْرَسَتَهُمْ: مدرسه‌شان.﴾
- (در درس ۷ می‌خوانیم) اگر به آخر حروف جَزّ بچسبند، مجرور به حرف جَزّ هستند. ﴿ عَنهُمْ: درباره‌شان﴾
- **نکته** ضمیر برای اسم‌های جمع غیر انسان به صورت مفرد مؤنث (هی، ها) به کار می‌رود، **مثال** هذه كُتُبٌ قَرَأْتُهَا.

## عَيْنِ الضَّمَائِرِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ۸۹- فَابَحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا السَّمْرَةَ  
 ۹۰- ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَ مِنْهُمُورَةً

## کلمات پرسشی (استفهام)

کلماتی که معنای پرسش دارند.

اسامی استفهام را در جدول زیر ببینید:

توضیحات	نکته	ترجمه	اسم استفهام
دو نوع «مَنْ» دیگر به نام‌های شرط (هرکس) و موصول (کسی که، که) نیز داریم.	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	چه کسی؟ چه کسانی؟	مَنْ (گاهی به صورت «مَنْ + ضمیر» می‌آید، مانند «مَنْ هُوَ».)
چند نوع «مَا» دیگر به نام‌های شرط (هر چیز) و موصول (چیزی که، که) و نفی (ما + ماضی) و تعجب (ما + أَفْعَلْ: چه ... نیز داریم.	معمولاً ابتدای جمله می‌آید.	چه چیزی؟ چه چیزهایی؟	مَا
—	—	چگونه؟ چه‌طور؟	كَيْفَ
در پاسخ از قید مکان استفاده می‌کنیم، مانند «فَوْقَ، تَحْتِ، خَلْفَ، جَنْبَ، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».	«مِنْ أَيْنَ»: «اهل کجا؟»	کجا؟	أَيْنَ
در پاسخ از قید زمان استفاده می‌کنیم، مانند «الْيَوْمَ، غَدًا، أَمْسَ، بَعْدَ، قَبْلَ، ...».	—	کی، چه‌وقت؟	مَتَى
در پاسخ از «لِ» یا «لِأَنَّ» استفاده می‌کنیم.	مخفف: «لِمَ»	چرا؟	لِمَاذَا
در پاسخ از اعداد استفاده می‌کنیم، مانند «سَبْعَةَ، خَمْسَةَ، الرَّابِعَةَ و ...».	—	چندتا؟ چه‌قدر؟	كَمْ
—	—	کدام؟	أَيُّ

**نکته** حروف استفهام «أ = هل» به معنای «آیا» هستند که در پاسخ از «نَعَمْ» یا «لا» استفاده می‌کنیم.

## ضَعِ فِي الْفَرَاغِ اسْمَ الْإِسْتِفْهَامِ الْمُنَاسِبِ.

- ۹۱- أَنْظِرْ لِيكَ الشَّجَرَةَ ..... نَمَتْ مِنْ حَبِيَّةٍ؟  
 ۹۲- ..... ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟  
 ۹۳- ..... سَافَرْتُ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ لَا، مَعَ الْأَسْفِ!

## عَيْنِ اسْمِ الْإِسْتِفْهَامِ الْمُنَاسِبِ لِهَذِهِ الْأَجْوِبَةِ.

- ۹۴- ..... تَكْتَبُ التَّمَارِينَ كُلَّ يَوْمٍ؟ أَكْتُبُهَا قَبْلَ الْغُرُوبِ!  
 ۹۵- ..... تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ صَبَاحًا؟ بِالسَّيَّارَةِ الْأُجْرَةَ!  
 ۹۶- ..... تَسْمَعِينَ قَبْلَ التُّومِ فِي اللَّيْلِ؟ أَسْمَعُ صَوْتَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!

### ترکیب اضافی (مضاف + مضاف الیه)

هرگاه دو اسم در کنار هم بیایند که در ترجمه بین این دو اسم (ب) بیاید. این دو اسم از نظر ظاهر (داشتن «ال» و علامت و ...) لزوماً شباهتی به هم ندارند (دوقلو نیستند).  
راه تشخیص از طریق ترجمه فارسی:

راه اول: بین دو اسم «ویرگول» و آخرشان «است» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود.  
راه دوم: آخر دو اسم «تر» می‌گذاریم. عبارت بی‌معنایی ساخته می‌شود.

**مثال** هذا کتاب علیّ: این، کتاب علی است. «هذا کتاب» ترکیب اضافی نیست، چون در ترجمه بین دو اسم (ب) نداریم. «کتاب علی» ترکیب اضافی است چون در ترجمه بین آن‌ها (ب) وجود دارد.

راه تشخیص در فارسی: «کتاب، علی است.» ← بی‌معنا است ← ترکیب اضافی

**نکته بسیار کاربردی** اگر یکی از ضمائر «ه، هما، هم، ها، هنّ، کما، کم، لک، کنّ، ی، نا» به آخر اسم بچسبد، صددرصد مضاف الیه است.  
**مثال** کتابه: کتاب او، کتابش - مَدْرَسَتُنَا: مدرسه ما

**نکته** مضاف، سه چیز نمی‌گیرد:

۱ «ن» آخر اسم مثنی (ان، ین) یا اسم جمع مذکر سالم (ون، ین):

**مثال** مُعَلِّمُونَ (جمع سالم) + الْمَدْرَسَةُ = مُعَلِّمُو الْمَدْرَسَةِ • شَجَرَتَانِ (مثنی) + الْحَدِيقَةُ = شَجَرَتَا الْحَدِيقَةِ

**دام مهم** دقت کنید که «ن» آخر جمع مکسر عمراً حذف نمی‌شود، چون «ن» جزء حروف اصلی آن است.

**مثال** مَسَاكِينِ (جمع مکسر) + إیران = مَسَاكِينِ إیران

۲ «ال» **مثال** الْمُعَلِّمُونَ + الْمَدْرَسَةُ = مُعَلِّمُو الْمَدْرَسَةِ

۳ «تنوین َ ِ ُ» **مثال** شَجْرَةٌ + الْحَدِيقَةُ = شَجْرَةُ الْحَدِيقَةِ

### ترکیب وصفی

دو اسم در کنار هم می‌آیند و دوقلو هستند (همه‌جوره شبیه هم‌اند).

■ صفت (اسم دوم) از نظر تعداد (مفرد، مثنی و جمع)، از نظر جنس (مذکر و مؤنث)، از نظر علامت (مرفوع، منصوب و مجرور) کاملاً شبیه و تابع موصوف (اسم اول) است.

■ در راه تشخیص فارسی، ترکیب وصفی بامعنا است. (بین دو اسم ویرگول و آخر دو اسم «است» بگذاریم یا اینکه بعد از پایان اسم دوم «تر» بگذاریم.)

**مثال** • «کتاب سودمند»: کتاب، سودمند است. ✓ • «کتاب علی»: کتاب، علی است. ✗

کتاب سودمندتر ✓ کتاب علی تر ✗

**مثال** هذا کتابٌ مُفیدٌ: این کتابی سودمند است. - هذه شَجْرَةٌ مُفیدَةٌ: این درختی سودمند است. - جاءَ عُلَمَاءٌ مُفیدُونَ: دانشمندانی سودمند آمدند. - رأیتُ بَنَاتًا مُؤدِّبَاتٍ: دخترانی بادل را دیدم.

**نکته** اگر موصوف، جمع غیر انسان (غیرعاقل) باشد، برای آن از صفت مفرد مؤنث استفاده می‌کنیم.

**مثال** کتاب‌های سودمند: الْکُتُبُ الْمُفیدَةُ - العُیُومُ الْمَاطِرَةُ: ابرهای باران‌زا

### ترکیب وصفی اضافی

حالتی که در آن یک اسم هم‌زمان هم مضاف الیه بگیرد هم صفت!

**مثال** دوست عزیز من: اسم «دوست» از طرفی صفت «عزیز» دارد و از طرفی به ضمیر «من» اضافه شده است (مضافاً و موصوفاً معاً).

■ در فارسی پس از اسم موصوف مضاف (دوست) ابتدا صفت (عزیز) می‌آید بعدش مضاف الیه (من)، اما در عربی برعکس است. ابتدا مضاف الیه می‌آید، سپس صفت!

■ به طور کلی فرمول «اسم + ضمیر + اسم «ال» دار» همیشه بیانگر ترکیب وصفی اضافی است و فرمول «اسم + اسم «ال» دار + اسم «ال» دار» عمدتاً (نه همیشه) بیانگر ترکیب وصفی اضافی است.

**مثال** • صديقت + ی + العزیزة = صديقتی العزیزة (دوست عزیزم)

• بلاد + نا + الجَمیلَة = بلادنا الجَمیلَة (کشور زیبای ما)

• کُتُب + زهرا + المُفیدَة = کُتُب زهرا المُفیدَة (کتاب‌های مفید زهرا)

۹۷- عَتَيْنِ الْمَوْصُوفِ وَالصَّفَةِ وَالْمُضَافِ وَالْمُضَافِ إِلَيْهِ.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ / ذَاتِ الْعُصُونِ النَّصْرَةِ / ذُو حِكْمَةٍ بِالْعِزَّةِ / الدَّرَجَةُ الْمُنتَشِرَةُ / مَطَارُ التَّجَفِّ الْأَشْرَفِ / صَبَاحُ النَّوْرِ / حَالِكُ / الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ / اسْمُكَ الْكَرِيمِ

## فعل

کلمه‌ای است دارای معنای مشخص همراه زمان!  
در عربی فعل‌ها به ۱۴ صیغه آمده و در سه گروه (غائب، مخاطب، متکلم) تقسیم می‌شوند.

## صرف فعل‌ها به شیوه جدید کتب درسی (مشابه زبان فارسی)

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبِ	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبَةِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَاتِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبِينَ
لِلغَائِبِينَ	هُما	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلغَائِبَاتِينَ	هُما	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلغَائِبِينَ	هُم	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ

## صرف فعل‌ها به شیوه سنتی و اصولی زبان عربی

صیغه	ضمیر	ماضی	مضارع «تینا، اتین»
لِلغَائِبِ	هُوَ	كَتَبَ	يَكْتُبُ
لِلغَائِبِينَ	هُمَا	كَتَبَا	يَكْتُبَانِ
لِلغَائِبَاتِ	هُمَّ	كَتَبُوا	يَكْتُبُونَ
لِلغَائِبَةِ	هِيَ	كَتَبَتْ	تَكْتُبُ
لِلغَائِبَاتِ	هُمَا	كَتَبَتَا	تَكْتُبَانِ
لِلغَائِبَاتِ	هُنَّ	كَتَبْنَ	يَكْتُبْنَ
لِلْمُخَاطَبِ	أنت	كَتَبْتَ	تَكْتُبُ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتما	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبِينَ	أنتم	كَتَبْتُمْ	تَكْتُبُونَ
لِلْمُخَاطَبَةِ	أنتِ	كَتَبْتِ	تَكْتُبِينَ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتما	كَتَبْتُمَا	تَكْتُبَانِ
لِلْمُخَاطَبَاتِ	أنتن	كَتَبْتُنَّ	تَكْتُبِينَ
لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	أنا	كَتَبْتُ	أَكْتُبُ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	نحن	كَتَبْنَا	نَكْتُبُ

## مرور مهم ترین زمان فعل هادر عربی

نوع فعل	فرمول عربی	فرمول فارسی	مثال
ماضی استمراری	کان + مضارع	می + ماضی	گنتم تَقْرَؤْنَ: می خواندید
ماضی نقلی	قَدْ + ماضی	صفت مفعولی (ماضی + ه) + ام، ای، است، ایم، اید، اند	قد أنزلنا: نازل کردیم، نازل کرده ایم
ماضی منفی	ما + ماضی ساده، بعید، استمراری، نقلی	«ن» + فعل ماضی	ما رَجَعْنَا: برنگشتیم - ما کانوا یتصرون: یاری نمی کردند
مستقبل (آینده)	سَ، سَوْفَ + مضارع	خواه + شناسه ها + بن ماضی	سَوْفَ نَحْصِلُ: دست پیدا خواهیم کرد
فعل امر	۱- حذف «ت» اول فعل ۲- اگر اول فعل ساکن شود، آوردن ا یا اُ اول فعل ۳- مجزوم کردن آخر فعل (حذف ُ یا ن به جز صیغه جمع مؤنث «أَنْتُنَّ»)	ب + بن مضارع + شناسه	تَكَلَّمِي: سخن بگو إشربوا: بنوشید
فعل نهی	۱- آوردن «لا» اول فعل ۲- مجزوم کردن آخر فعل (حذف ُ یا «ن» به جز دو صیغه جمع مؤنث «هُنَّ، أَنْتُنَّ»)	ن + بن مضارع + شناسه‌ها	لا تَشْرَبُوا: بنوشید
نفی (مضارع منفی)	أوردن «لا» اول فعل	ن + فعل مضارع	لا تَشْرَبُونَ: نمی نوشید

اَكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ.

۹۸- أَنْظُرْ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّصْرَةَ

۹۹- كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَيْثِ

۱۰۰- فَايْحَتْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي / يُخْرِجُ مِنْهَا التَّمْرَةَ

۱۰۱- لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أُحِبُّ أَنْ أَسَافِرَ.

۱۰۲- هُنَّ مَا كَانَ يَذْهَبْنَ بِسُرْعَةٍ.

۱۰۳- إِنَّا سَوْفَ نَجْلِسُ هُنَا.

۱۰۴- لَا تَنْظُرْ هُنَاكَ.

اَكْمِلِ الْفَرَاقَاتِ.

فعل ماضى	فعل مضارع	فعل امر	فعل ماضى استمرارى	فعل نهى	فعل مستقبل	ضمير	حروف اصلى
شَرِبْتُمْ	۱۰۵-	۱۰۶-	۱۰۷-	۱۰۸-	۱۰۹-	أَنْتُمْ	۱۱۰-
۱۱۱-	تَخْرُجِينَ	۱۱۲-	۱۱۳-	۱۱۴-	۱۱۵-	۱۱۶-	خَرَجَ

اَعْدَادُ بَيَانِ سَاعَتِ دَرِ عَرَبِي

■ اعداد در عربى دو نوع اند:

- اعداد اصلى: اعدادى كه براى شمردن افراد و اشيا و ... به كار مى روند، مانند يك، دو، سه و ... .
  - اعداد ترتيبى: اعدادى كه براى بيان رتبه و ترتيب استفاده مى شوند، مانند اول، دوم، سومين، چهارم و ... .
- از اعداد ترتيبى (به جز اول) براى بيان ساعت نيز استفاده مى شود.

اَعْدَادُ اصْلِي

عدد	به فارسى	به عربى
۱۱	يازده	أَحَدَ عَشَرَ - إِحْدَى عَشْرَةَ
۱۲	دوازده	إِثْنَا عَشَرَ - إِثْنِي عَشَرَ - إِثْنَا عَشْرَةَ
۱۳	سيزده	ثَلَاثَةَ عَشَرَ - ثَلَاثَ عَشْرَةَ
۱۴	چهارده	أَرْبَعَةَ عَشَرَ - أَرْبَعَ عَشْرَةَ
۱۵	پانزده	خَمْسَةَ عَشَرَ - خَمْسَ عَشْرَةَ
۱۶	شانزده	سِتَّةَ عَشَرَ - سِتَّ عَشْرَةَ
۱۷	هفده	سَبْعَةَ عَشَرَ - سَبْعَ عَشْرَةَ
۱۸	هجده	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ - ثَمَانِي عَشْرَةَ
۱۹	نوزده	تِسْعَةَ عَشَرَ - تِسْعَ عَشْرَةَ
۲۰	بيست	عِشْرُونَ - عِشْرِينَ

عدد	به فارسى	به عربى
۰	صفر	صفر
۱	يك	واحد - واحدة
۲	دو	اثنان - اثنتان - اثنتين
۳	سه	ثلاثة - ثلاث
۴	چهار	اربعة - أربع
۵	پنج	خمس - خمس
۶	شش	ستة - ست
۷	هفت	سبعة - سبع
۸	هشت	ثمانية - ثمانی
۹	نه	تسعة - تسع
۱۰	ده	عشرة - عشر

اَعْدَادُ تَرْتِيبِي

اعدادى كه براى بيان ترتيب و رتبه به كار مى روند.

- اين اعداد در ترجمه فارسى به صورت «م، م، م» يا «م، م، م» براى بيان ساعت» به كار مى روند.
- اعداد ترتيبى هميشه با «ال» مى آيند و از ۲ تا ۱۹ بر وزن فاعل هستند.
- اين اعداد هميشه بعد از معدود مى آيند، مانند ۱ و ۲ اصلى (معدود + عدد).

عدد	به فارسی	به عربی
۱۱	یازدهم	الحادي عشر - الحادية عشرة
۱۲	دوازدهم	الثاني عشر - الثانية عشرة
۱۳	سیزدهم	الثالث عشر - الثالثة عشرة
۱۴	چهاردهم	الرابع عشر - الرابعة عشرة
۱۵	پانزدهم	الخامس عشر - الخامسة عشرة
۱۶	شانزدهم	السادس عشر - السادسة عشرة
۱۷	هفدهم	السابع عشر - السابعة عشرة
۱۸	هجدهم	الثامن عشر - الثامنة عشرة
۱۹	نوزدهم	التاسع عشر - التاسعة عشرة
۲۰	بیستم	العشرون - العشرين

عدد	به فارسی	به عربی
۱	یکم	الأول - الأولى
۲	دوم	الثاني - الثانية
۳	سوم	الثالث - الثالثة
۴	چهارم	الرابع - الرابعة
۵	پنجم	الخامس - الخامسة
۶	ششم	السادس - السادسة
۷	هفتم	السابع - السابعة
۸	هشتم	الثامن - الثامنة
۹	نهم	التاسع - التاسعة
۱۰	دهم	العاشر - العاشرة

بیان ساعت: ساعت را به چهار صورت می توان بیان کرد:

- ساعت کامل: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + تماماً ⇐ الساعة الخامسة تماماً
- ساعت + ۱۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ الرَّبْع ⇐ الساعة الخامسة وَ الرَّبْع
- ساعت + ۳۰: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث (به جز ۱) + وَ النَّصْف ⇐ الساعة الخامسة وَ النَّصْف
- ساعت + ۴۵: الساعة + عدد ترتیبی مؤنث بعدی (به جز ۱) + إِلَّا رُبْعاً ⇐ الساعة السادسة إِلَّا رُبْعاً

نکات ۱ برای ساعت یک از عدد اصلی «الواحدة» استفاده می کنیم.

۲ برای بیان دقیقه در زبان عربی از اعداد اصلی استفاده می کنیم، مثلاً ۲۷ دقیقه می شود «سبعة و عشرون دقيقة».

روزهای هفته	ترتیب	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع
عربی	السبت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعة	
فارسی	شنبه (ابتدا)	یکشنبه	دوشنبه	سه‌شنبه (وسط هفته)	چهارشنبه	پنج‌شنبه	جمعه (انتها)	

فصل‌های سال	ترتیب	الأول	الثاني	الثالث	الرابع
عربی	الربيع	الصيف	الخريف	الشتاء	
فارسی	بهار	تابستان	پاییز	زمستان	

جوابز	ترتیب	الأول	الثاني
عربی	الذَّهَب	الفِصَّة	
فارسی	طلا	نقره	

### اكتب الساعات باللغة العربية.

۱۱۸ - ۱۵ : ۶

۱۱۷ - ۴۵ : ۸

۱۲۰ - ۳۰ : ۳

۱۱۹ - ۰۰ : ۱

### كامل الفراغ.

۱۲۱- الفصل الـ..... في السَّنة هو فصل الشتاء!

۱۲۲- للفائز الثاني جائزة..... .

۱۲۳- اليوم الوسط في أيام الأسبوع هو يوم..... .

سؤالات قواعد

بخش چهارم:

ترجم هذه الجملة و اكتب نوع الأفعال.

- ۱۲۴- و إِنَّا سَوْفَ نَكْتُبُ أَبْحَاثًا. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۵- كَانُوا يَكْتُبُونَ بِدَقَّةٍ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۶- لَا تَكْتُبْ عَلَى الْجِدَارِ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۷- مَا كَتَبْنَا تَمَارِينَا. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۸- أَنْتُمْ لَا تَكْتُبُونَ بِسُرْعَةٍ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۲۹- ضَعُ فِي الْفِرَاقِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۳۰- أَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ. ترجمه: نوع الفعل:
- ۱۳۱- كُنْتُ تَكْتُبُ رِسَالَتِكُنَّ. ترجمه: نوع الفعل:

أرسم عقارب الساعات.



انتخب الفعل المناسب للفراغ.

- ۱۳۸- يَا صَدِيقِي هَلْ ..... كَلَامِكَ؟ (۱) ذَكَرْتُ (۲) ذَكَرْتُمْ (۳) قَرَأْتُ
- ۱۳۹- مَاذَا ..... أَتَيْهَا الْوَالِدَةُ؟ (۱) عَمِلْتُ (۲) يَفْعَلُ (۳) عَمِلَ
- ۱۴۰- لَوْنُ الشَّجَرَةِ ..... . (۱) أبيض (۲) أخضر (۳) أسود
- ۱۴۱- أَصْدِقَائِي ..... مِنَ الْعُطْلَةِ. (۱) رَجَعُوا (۲) رَجَعْنَا (۳) رَجَعَ
- ۱۴۲- ..... الْأَطْفَالُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. (۱) يَلْعَبُ (۲) يَفْتَحُ (۳) يَأْخُذُ
- ۱۴۳- رَجَاءٌ ..... مِنَ السَّيَّارَةِ. (۱) أَطْلَبُوا (۲) أَنْزَلُوا (۳) طَلَبُوا
- ۱۴۴- إِيَّيْ ..... مَنْ أَنْتَ؟ (۱) لَا أَعْرِفُكَ (۲) لَا أَطْلُبُكَ (۳) مَا جَلَسْتُ
- ۱۴۵- ..... فُسْتَانًا مِنَ السُّوقِ. (۱) رَجَعْنَا (۲) إِشْتَرَيْنَا (۳) قَرَأْنَا

ضع هذه الجملة و التراكيب في مكانها المناسب.

هؤلاء الرجال - هذان التلميذان - تلك البطارية - هؤلاء فائزات - هاتان زوجتان - أولئك الفائزون

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر
.....- ۱۴۶	.....- ۱۴۷	.....- ۱۴۸	.....- ۱۴۹	.....- ۱۵۰	.....- ۱۵۱



آرمون شبه نهايي درس ۱

## پاسخ سوالات درس ۱

۵۳. رشد کرد؛ ترجمه: چگونه از دانه‌ای رشد کرد؟
۵۴. جست‌وجو کن؛ ترجمه: پس جست‌وجو کن و بگو کیست کسی که از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۵۵. آراست، زینت داد؛ ترجمه: و آن را با ستارگانی آراست.
۵۶. فروزان؛ ترجمه: نگاه کن به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است.
۵۷. روشنایی؛ ترجمه: در آن روشنایی است و به وسیله آن گرما پراکنده می‌شود.
۵۸. پدید آورد؛ ترجمه: چه کسی در آن ماه را پدید آورد؟
۵۹. قَاعَة (سالن)؛ ترجمه: یکی از کارمندان در سالن فرودگاه گفت.
۶۰. الشَّرَّة (پاره آتش)؛ ترجمه: پاره‌ای از آتش است.
۶۱. کیف؟ (پلونه)؛ ترجمه: حال تو چگونه است؟ من خوبم.
۶۲. لا أَعْلَمُ (نمی‌دانم)؛ ترجمه: سخن «نمی‌دانم» نیمی از دانش است (نصف علم است).
۶۳. سافرت (سفر کرده‌ای)؛ ترجمه: آیا تاکنون به ایران سفر کرده‌ای، ای دوست من؟
۶۴. النُّجوم (ستارگان)؛ ترجمه: خدا شب را با ستارگان آراست.
۶۵. الثَّيْرَة (تر و تازه)؛ ترجمه: آن درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.
۶۶. صارت (شد/گردید)؛ ترجمه: چگونه زمین سرسبز گردید؟
۶۷. تاکنون مسافرت نکرده‌ام، اما دوست دارم که مسافرت کنم.
۶۸. درخت از دانه‌ای رشد کرد و درختی بلند شد.
۶۹. و درباره درختان پرس‌وجو کرد و گفت چه کسی از آن میوه را بیرون می‌آورد؟
۷۰. و درباره آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند.
۷۱. مفرد مذکر: الحمد (ستایش)، اللقاء (دیدار)
۷۲. مفرد مؤنث: الشمس (خورشید)، الإسلامیة (اسلامی)، دَقِيقَة (دقیقت)، التَّارِ (آتش)
۷۳. مثنی مذکر: مطاران (دو فرودگاه)
۷۴. مثنی مؤنث: جَدَوَتین (دو پاره آتش)
۷۵. جمع مذکر سالم: الصَّالِحُونَ (درستکاران)
۷۶. جمع مؤنث سالم: السَّمَاوَاتِ، فائزات (بَرنده‌ها)
۷۷. جمع مکسر: الغُصون (شاقه‌ها)؛ جمع الغُصْنِ، أنعم (نعمت‌ها)؛ جمع نَعْمَة، کواکب (ستارگان)؛ جمع کَوْکَب، أنجم (ستارگان)؛ جمع نجم، أبحاثاً (پژوهش‌ها)؛ جمع بَحْث، عَقَارِب (عقربه‌ها)؛ جمع عَقْرَبَة
۷۸. الف (الف الأبیات: جمع مکسر / ب) أصوات: جمع مکسر - الطَّیور: جمع مکسر
۷۹. گزینه «۱»؛ الضَّامین جمع مذکر سالم. «الصائم: روزه‌دار» است.
- ۸۰.

وزن	حروف اصلی	وزن	حروف اصلی	وزن	حروف اصلی
نَضْرَة	نضر	فَعِیْلَة	أحجارٍ	حجر	أفعال
يُخْرِجُ	خرج	يُنْفَعِلُ	غالية	غلو	فَاعِلَة
مُسْتَعِرَة	سعر	مُفْتَعِلَة	ملابس	لبس	مُفَاعِل
أوجَدَ	وجد	أفْعَلُ	صَبَار	صبر	فَعَال
أنعِمُ	نعم	أفْعَلُ	مَسْمُوح	سمح	مَفْعُول
بالغية	بلغ	فَاعِلَة	مُجَدِّد	جدد	مُفْعَل
تَعَاوَف	عرف	تَفَاعُل	يَتَفَقَّرُونَ	فکر	يَتَفَعَّلُونَ
أشرف	شرف	أفْعَلُ			

۱. سپاس - آسمان‌ها - قرار داد
۲. نگاه کن - شاخه‌های
۳. چگونه از دانه‌ای رشد کرد و چگونه درختی شد؟
۴. گزینه «۲» ۵. گزینه «۱» ۶. گزینه «۲»
۷. او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۸. گزینه «۲» ۹. فشرده شده - باران ۱۰. گزینه «۲»
۱۱. پروردگارا - بیهوده ۱۲. السَّحاب (ابر) = الغيم (ابر)
۱۳. کثیر (زیاد) ≠ قلیل (کم) ۱۴. العَدُو (دشمن) = الصَّدِيق (دوست)
۱۵. الضَّيَاء (روشنایی) ≠ الظُّلْمَة (تاریکی)
۱۶. أَشْأاً (پدید آورد) = أوجَدَ (به وجود آورد)
۱۷. رَفَدَ (بستری شد) = نَامَ (فوابید) ۱۸. حَزِين (غمگین) ≠ مَسْرُور (شاد)
۱۹. بعید (دور) ≠ قَرِيب (نزدیک) ۲۰. قَبِیح (زشت) ≠ جَمِیل (زیبا)
۲۱. نهایه (پایان) ≠ بَدَايَة (آغاز) ۲۲. ممنوع (غیرمجاز) ≠ مسموح (مجاز)
۲۳. راسب (مردود) ≠ ناجح (موفق)
۲۴. الله؛ ترجمه: او خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.
۲۵. الشمس؛ ترجمه: در خورشید نور و حرارتی است و پاره آتش آن فروزان است.
۲۶. الغيم؛ ترجمه: ابر بخار فشرده در آسمان است که باران از آن فرود می‌آید.
۲۷. القمر؛ ترجمه: ماه سیاره‌ای است که دور زمین می‌چرخد و نور آن از خورشید است.
۲۸. الذَّرَر؛ ترجمه: زن خودش را با مرواریدها می‌آراید، در حالی که آن از سنگ‌های زیباست.
۲۹. حَبِیْة؛ ترجمه: درخت از دانه‌ای رشد کرد.
۳۰. الفُستَآن؛ ترجمه: پیراهن زنانه از لباس‌های زنانه است که دارای رنگ‌های متنوعی است.
۳۱. الشَّرَّة؛ ترجمه: اخگر قطعه‌ای جداگانه از آتش خروشان است.
۳۲. الذَّرَر (مرواریدها) ۳۳. النُّجوم (ستارگان)
۳۴. الشمس (خورشید) ۳۵. الغيم / السحاب (ابر)
۳۶. الحَبَّة (دانه) ۳۷. الغيمة جمع الغيوم (ابرها)
۳۸. الأعمى مفرد النعمة (نعمت) ۳۹. الذَّرَر جمع الذَّرَر (مرواریدها)
۴۰. الحجر جمع الأحجار (سنگ‌ها) ۴۱. الغُصْن جمع الغُصون (شاقه‌ها)
۴۲. الشَّجَر جمع الأشجار (درختان) ۴۳. الأنجم مفرد النجم (ستاره)
۴۴. ألوان مفرد لون (رنگ)
۴۵. گزینه «۳»؛ ۱- ورق (برگ) ۲- شجرة (درخت) ۳- لیل (شب) ۴- عُصن (شاقه)
۴۶. گزینه «۴»؛ ۱- کثیره (زیاد) ۲- مُتَهَمِرَة (فراوان) ۳- وافرَة (بسیار) ۴- جدوة (پاره آتش)
۴۷. گزینه «۱»؛ ۱- مطار (فرودگاه) ۲- سحاب (ابر) ۳- مَطَر (باران) ۴- غيم (ابر)
۴۸. گزینه «۲»؛ ۱- حرارة (گرما) ۲- نَضْرَة (تر و تازه) ۳- جَدْوَة (پاره آتش)
- ۴- شَرَّة (الغیر)
۴۹. گزینه «۱»؛ ۱- لون (رنگ) ۲- شتاء (زمستان) ۳- ربيع (بهار) ۴- حَرِيف (پاییز)
۵۰. گزینه «۱»؛ ۱- أكبر (بزرگ‌ترین) ۲- أحمر (قرمز) ۳- أخضر (سبز) ۴- أزرق (آبی)
۵۱. ابر؛ ترجمه: نگاه کن به ابر پس کیست که از آن باران را فرود آورد؟
۵۲. ریزان؛ ترجمه: او همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

۱۳۱. ترجمه: شما نامه‌هایتان را می‌نوشتید.

نوع فعل: کان + مضارع ← ماضی استمراری

۱۳۲. یک ربع به پنج



۱۳۳. یک ربع به شش



۱۳۴. ده تمام

۱۳۵. پنج و ربع



۱۳۶. هشت و نیم

۱۳۷. چهار و نیم



۱۳۸. ذکرت؛ ترجمه: ای دوست من آیا سخنت را به یاد آوردی؟ (۲- به یاد آوردی

۳- خواندی)

۱۳۹. عَمَلْتِ؛ ترجمه: چه کار کردی ای مادر؟ (۲- انجام می‌دهد ۳- انجام داد)

۱۴۰. أَحْضَرْتُ؛ ترجمه: رنگ درخت سبز است. (۱- سفید ۳- سیاه)

۱۴۱. رَجَعُوا؛ ترجمه: دوستان از تعطیلات برگشتند. (۲- برگشتیم ۳- برگشت)

۱۴۲. يَلْعَبُ؛ ترجمه: کودکان در حیاط مدرسه بازی می‌کنند. (۲- باز می‌کند

۳- می‌گیرد)

۱۴۳. أَنْزَلُوا؛ ترجمه: لطفاً از ماشین پیاده شوید. (۱- بخواهید ۲- خواستند)

۱۴۴. لَا أَعْرِفُكَ؛ ترجمه: من تو را نمی‌شناسم تو کیستی؟ (۲- تو را نمی‌خواهم

۳- ننشستم)

۱۴۵. اِشْتَرَيْتَنِي؛ ترجمه: از بازار پیراهن زنانه‌ای خریدیم. (۱- برگشتیم ۲- خواندیم)

۱۴۶. مَفْرَدٌ مُؤَنَّثٌ؛ تَلَكُ الْبَطَّارِيَّةُ (آن باتری)

۱۴۷. مَثْنِيٌّ مَذَكَّرٌ؛ هَذَانِ التَّلْمِيذَانِ (این دو دانش‌آموز)

۱۴۸. مَثْنِيٌّ مُؤَنَّثٌ؛ هَاتَانِ زَجَاجَتَانِ (این دو شیشه)

۱۴۹. جَمْعٌ مَذَكَّرٌ سَالِمٌ؛ أَوْلَئِكَ الْفَائِزُونَ (آن رستگاران)

۱۵۰. جَمْعٌ مُؤَنَّثٌ سَالِمٌ؛ هَؤُلَاءِ فَائِزَاتٌ (این‌ها رستگاران)

۱۵۱. جَمْعٌ مَكْسَرٌ؛ هَؤُلَاءِ الرِّجَالُ (این مردان)

## پاسخ سوالات درس ۲

۱۵۳. پاداش - مرگش

۱۵۲. هفتاد

۱۵۴. در ترجمه «عَرَسَ»، «درو کرد» باید به صورت «کاشت» ترجمه شود -

در ترجمه «وَوَّرَثَ»، «به ارث برد» باید به صورت «ارث گذاشت» ترجمه شود.

۱۵۶. مهربانی می‌کنند

۱۵۵. گزینه «۱»

۱۵۷. گزینه «۱»

۱۵۸. «گُلُوا» به معنای «بخورید» است. - «لَا تَفَرَّقُوا» به معنای «پراکنده

نشود» است.

۸۱. هَذِهِ (تلك) السَّمَاوَاتِ - هَذِهِ (تلك) البَطَّارِيَّةُ - هَذَا (ذلك) التَّوْرَ - هَذِهِ (تلك)

الْعُصُونِ - هَذِهِ (تلك) الثَّمَرَةُ - هَذِهِ (تلك) جِكْمَةٌ - هَذِهِ (تلك) الدَّرَزُ - هَذَا (ذلك) المَطَرُ

۸۲. آن درختی است که هر روز آن را در باغ می‌بینیم.

۸۳. این مؤمنان در مسجدها نماز می‌خوانند.

۸۴. الَّذِي (در مورد اسم مذکر الله) ۸۵. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث شمس)

۸۶. الَّتِي (در مورد اسم مؤنث شجرة) ۸۷. الَّذِي (در مورد اسم مذکر لیل)

۸۸. الَّتِي (در مورد اسم جمع غیر انسان «ملابس»)

۸۹. هَا ۹۰. هُوَ - هِ ۹۱. كَيْفَ (كَيْلُونَهُ) ۹۲. مَنِ (بِه كَسِي)

۹۳. هَلْ (أَيًا) ۹۴. مَتَى (بِه زَمَانِي) ۹۵. كَيْفَ (كَيْلُونَهُ) ۹۶. مَاذَا (بِه پِيژِي)

۹۷. الدَّرَسُ: موصوف - الاوَّلُ: صفت/ ذات - مضاف - العُصُونِ: مضاف اليه -

النَّضْرَةُ: صفت/ ذو: مضاف - جِكْمَةٌ: مضاف اليه - بِالْعَةِ: صفت/ الدَّرَزُ: موصوف -

المُنْتَشِرَةُ: صفت/ مطار: مضاف - التَّجْفِ: مضاف اليه - الأَشْرَفُ: صفت/ صَبَاحُ:

مضاف - التَّوْرُ: مضاف اليه/ حَالٌ: مضاف - كُ: مضاف اليه/ الجُمهُورِيَّةُ: موصوف -

الإِسْلَامِيَّةُ: صفت - الإِيرَانِيَّةُ: صفت/ اسْمٌ: مضاف - كُ: مضاف اليه - الكَرِيمُ: صفت

۹۸. أَنْظُرُ: فعل امر ۹۹. نَمَتَ: فعل ماضی

۱۰۰. اِبْحَثْ: فعل امر - قُلْ: فعل امر - يُخْرِجُ: فعل مضارع

۱۰۱. أُحِبُّ: فعل مضارع - أَسَافِرُ: فعل مضارع

۱۰۲. مَا كَانَ يَذْهَبُنَ: فعل ماضی استمراری

۱۰۳. سَوْفَ نَجْلِسُ: فعل مستقبل

۱۰۴. لَا تَنْظُرْ: فعل نهی

۱۰۵. تَشْرَبُونَ

۱۰۶. اِشْرَبُوا

۱۰۷. كُنْتُمْ تَشْرَبُونَ

۱۰۸. لَا تَشْرَبُوا

۱۰۹. سَوْفَ تَشْرَبُونَ / سَتَشْرَبُونَ

۱۱۰. شَرِبْ

۱۱۱. خَرَجْتَ

۱۱۲. أَخْرَجِي

۱۱۳. كُنْتَ تَخْرُجِينَ

۱۱۴. لَا تَخْرُجِي

۱۱۵. سَتَخْرُجِينَ / سَوْفَ تَخْرُجِينَ

۱۱۶. أَنْتِ

۱۱۷. السَّاعَةُ التَّاسِعَةُ الْآرِبَعَاءُ

۱۱۸. السَّاعَةُ السَّادِسَةُ وَ الرَّبْعُ

۱۱۹. السَّاعَةُ الْوَاحِدَةُ تَمَاماً

۱۲۰. السَّاعَةُ الثَّلَاثَةُ وَ النَّصْفُ

۱۲۱. الرَّابِعُ (فصل چهارم در سال، همان فصل زمستان است.)

۱۲۲. فِضِيَّةٌ (نفر دوم جایزه نقره‌ای دارد.)

۱۲۳. الثَّلَاثَاءُ (روز وسط در روزهای هفته همان روز سه‌شنبه است.)

۱۲۴. ترجمه: و به راستی ما تحقیقاتی را خواهیم نوشت.

نوع فعل: سوف + مضارع ← مضارع مُسْتَقْبَل (آینده)

۱۲۵. ترجمه: با دقت می‌نوشتند.

نوع فعل: کان + مضارع ← ماضی استمراری

۱۲۶. ترجمه: روی دیوار ننویس.

نوع فعل: لای نهی + مضارع ← فعل نهی

۱۲۷. ترجمه: تمرین‌هایمان را ننوشتیم.

نوع فعل: ما + ماضی ← ماضی منفی

۱۲۸. ترجمه: شما با سرعت نمی‌نویسید.

نوع فعل: لای نفی + مضارع ← مضارع منفی

۱۲۹. ترجمه: در جای خالی کلمات مناسب را قرار بده.

نوع فعل: صَعَّ ← فعل امر مخاطب

۱۳۰. ترجمه: تکالیفتان را بنویسید. نوع فعل: اَكْتُبُوا ← فعل امر مخاطب





ردیف	امتحان شماره ۳	پایه دهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	نمره	تاریخ امتحان: خردادماه	رشته: ریاضی فیزیک - علوم تجربی	امتحان نوبت دوم (پایان سال): عربی، زبان قرآن ۱
۱	ترجم ما تحتها خطاً. ۱- فیها ضیاء. ۳- جمال المرء فصاحة لسانه.	۲- فأُمسك عنده تسعين جزءاً.		۱/۲۵			
۲	أكتب في الفراغ الكلمتين المترادفتين و الكلمتين المتضادتين. (كلمتان زائدتان). دنا - سل - بحث عن - بعد - فتش - ظهر ۴- ..... = ..... ۵- ..... ≠ .....			۰/۵			
۳	عين الكلمة العربية. ۶- الخفاش □ الفرس □ الشتاء □ الغراب □			۰/۲۵			
۴	أكتب مفرد أو جمع الكلمتين. ۷- بقاع: ..... ۸- غايل: .....			۰/۵			
۵	ترجم الجملات. ۹- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ ۱۰- له ذاكرة قوية و سمعه يفوق سماع الإنسان عشر مرات. ۱۱- من رأى منكم أحداً يدعو إلى التفرقة فهو عميل العدو. ۱۲- قد تفتش عين الحياة في الظلمات ۱۳- يسحب الأعصار الأسماك إلى مياه المحيط الأطلسي. ۱۴- كلوا جميعاً و لا تفرقوا فإن البركة مع الجماعة. ۱۵- فكم تمر عيشي و أنت حامل شهيد ۱۶- إذا وقع نظرها على سمكة القرش تتجمع بسرعة حولها.			۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵			
۶	انتخب الترجمة الصحيحة. ۱۷- إلهي قد انقطع رجائي عن الخلق. ۱۸- يلاحظ الناس غيمة سوداء لمدة ساعتين. ۱ (□) خدای من، امیدم از مردم قطع شده است. ۲ (□) خدایا امیدم را از مردم قطع کن. ۱ (□) مردم برای دو ساعت ابر سیاه را مشاهده می کردند. ۲ (□) مردم ابری سیاه را برای مدت دو ساعت ملاحظه می کنند.			۰/۵			
۷	كمل الفراغات في الترجمة. ۱۹- للغراب صوتٌ يحدُرُ به بقيّة الحيوانات حتى تبتعد سريعاً. كلاغ ..... دارد كه با آن به ساير حيوانات ..... تا به سرعت ..... ۲۰- أ يجِبُ أحدكم أن يأكل لحم أخيه ميتاً فكرهتموه. آيا كسي از شما ..... كه ..... برادر مرده اش را .....، پس آن را ناپسند می دارید.			۱/۵			
۸	ترجم الكلمات التي تحتها خطاً. ۲۱- تَحَرَّجْنَا مِنَ الْجَامِعَةِ. ۲۲- اسْتخدمتُ نُقوداً و رِقِيَّةً. ۲۳- ﴿أدعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ﴾ ۲۴- ﴿وَجَعَلْنَاكُمْ شُعوباً﴾ ۲۵- ثَغْيِي كَالطُّيُورِ. ۲۶- ﴿أَجَبْتِي هَجْرُونِي﴾ ۲۷- جُدُوْهَا مُسْتَعْرَةً. ۲۸- حَتَّى ذَابَ التُّحَّاسُ.			۲			
۹	عين نوع الفعل. ۲۹- أَحْسِبُ إِلَى النَّاسِ. ۳۰- أَنْتَ لَا تَكْتَبِنَ بِسُرْعَةٍ. ۳۱- سَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ. ۳۲- حَبَّرْتُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسِ.			۱			

## پاسخ امتحان شماره (۳)

۱. نور (۰/۲۵)
۲. نگاه داشت، نود (۰/۵)
۳. المرء: انسان، فصاحة: شیوایی (۰/۵) ۴. بَحَثَ عَنْ = فَتَشَّ (۰/۵)
۵. دَنَا ≠ بَعَدَ (۰/۵) ۶. الشَّتَاءُ (۰/۲۵)
۷. بُقِعَةَ (۰/۲۵) ۸. عُمَال (۰/۲۵)
۹. گفت به راستی من می‌دانم (۰/۲۵) آن چه را شما نمی‌دانید. (۰/۲۵)
۱۰. او حافظهٔ نیرومندی دارد (۰/۲۵) و شنوایی اش ده بار فراتر از شنوایی انسان (۰/۲۵) است.
۱۱. هر کس از شما کسی را ببیند (۰/۲۵) که به تفرقه دعوت می‌کند (۰/۲۵)، پس او مزدور دشمن است. (۰/۲۵)
۱۲. گاهی چشمهٔ زندگی (۰/۲۵) در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود. (۰/۲۵)
۱۳. گردباد ماهی‌ها را به سوی (۰/۲۵) آب‌های اقیانوس اطلس می‌کشد. (۰/۲۵)
۱۴. همگی بخورید و پراکنده نشوید (۰/۲۵)، زیرا برکت با جماعت است. (۰/۲۵)
۱۵. پس چه قدر زندگی مرا تلخ می‌کنی (۰/۲۵) در حالی که تو آورندهٔ عسلی (شیرینی هستی). (۰/۲۵)
۱۶. هر وقت که چشمشان (۰/۲۵) به کوسه‌ماهی افتد (۰/۲۵)، به سرعت دور او جمع می‌شوند. (۰/۲۵)
۱۷. گزینهٔ «۱» (۰/۲۵)
۱۸. گزینهٔ «۲» (۰/۲۵)
۱۹. صدایی (۰/۲۵)، هشدار می‌دهد (۰/۲۵)، دور شوند (۰/۲۵)
۲۰. دوست دارد (۰/۲۵)، گوشت (۰/۲۵)، بخورد (۰/۲۵)
۲۱. دانش آموخته شدید (۰/۲۵) ۲۲. کاغذی (۰/۲۵)
۲۳. فرابخوان (۰/۲۵) ۲۴. ملت‌ها (۰/۲۵)
۲۵. آواز می‌خواند (۰/۲۵) ۲۶. مرا ترک کردند (۰/۲۵)
۲۷. فروزان (۰/۲۵) ۲۸. مس (۰/۲۵)
۲۹. فعل امر (۰/۲۵) ۳۰. فعل نهی (۰/۲۵)
۳۱. فعل مستقبل (۰/۲۵) ۳۲. فعل ماضی (۰/۲۵)
۳۳. گزینهٔ «۲» (۰/۲۵) ۳۴. گزینهٔ «۱» (۰/۲۵)
۳۵. زده شد - گوش کنید (۰/۵) ۳۶. تَحَرَّجْنَا (۰/۲۵)
۳۷. تَشَاهُدُ (۰/۲۵) ۳۸. تَجَمَّعَ (۰/۲۵)
۳۹. يَكَاتِبُ (۰/۲۵) ۴۰. أَكْرِمُ (۰/۲۵)
۴۱. انْقَلَبَ (۰/۲۵)
۴۲. كَبَّرْتُ (۰/۲۵) - لا تُكَبِّرِي (۰/۲۵) - كَبَّرِي (۰/۲۵) - تكبير (۰/۲۵)
۴۳. تُجَالِسُونَ (۰/۲۵) - لا تُجَالِسُوا (۰/۲۵) - جَالِسُوا (۰/۲۵) - مُجَالِسَةٌ (۰/۲۵)
۴۴. الفَلَّاحُونَ (۰/۲۵) ۴۵. الماء (۰/۲۵)
۴۶. الأَرْضِ (۰/۲۵) ۴۷. عَشْرِينَ (۰/۲۵)
۴۸. الضيافة: الجفاظُ عَلَى الأشياءِ (۰/۲۵)
۴۹. الذَّنْبُ: يَحْرُكُهُ الحَيَوَانُ غالباً ... (۰/۲۵)
۵۰. النومة: تَنَامُ فِي النَّهَارِ ... (۰/۲۵)
۵۱. الدَّرْزُ: مِنَ الأَحْجَارِ الجميلةِ الغاليةِ. (۰/۲۵)
۵۲. لَيْسَ كِتَاباً. (۰/۲۵) ۵۳. الزَّرُّ مَعَ الدَّجَاجِ (۰/۲۵)
۵۴. لِيَجْهَلَهُمْ فِي كَيْفِيَّةِ إدارةِ الحَيَاةِ (۰/۲۵)
۵۵. يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نُنْصَحَ لأنفسنا نظاماً مُعِيناً لِحَيَاتِنَا (۰/۲۵)
۵۶. يَعِيشُ بِشكْلِ غيرِ منظمٍ وَ لا يَهْتَمُّونَ بالوقتِ (۰/۲۵)
۵۷. كُنْ: فاعل (۰/۲۵)

## پاسخ امتحان شماره (۴)

۱. چشمه‌ها، زبان (۰/۵) ۲. سالانه (۰/۲۵)
۳. تلفن همراه، خالی می‌شود (۰/۵) ۴. گریه ≠ جميل (۰/۲۵)
۵. نَهَبَ = سَرَقَ (۰/۲۵) ۶. شَرَّةَ (۰/۲۵)
۷. دُنُوب (۰/۲۵) ۸. مِتر (۰/۲۵)
۹. دلفین‌ها کوسه‌ماهی را دشمن خود (۰/۲۵) به حساب می‌آورند. (۰/۲۵)
۱۰. چه کسی است که خورشید را در فضا (۰/۲۵) مانند پارهٔ آتشی پدید آورد؟ (۰/۲۵)
۱۱. کلاغ صدایی دارد (۰/۲۵) که با آن به سایر حیوانات هشدار می‌دهد (۰/۲۵) تا به سرعت دور شوند. (۰/۲۵)
۱۲. پافشاری بر نقاط اختلاف (۰/۲۵) و بر دشمنی جایز نیست. (۰/۲۵)
۱۳. زمین پوشیده از ماهی‌ها می‌گردد (۰/۲۵) و مردم آن‌ها را می‌گیرند. (۰/۲۵)
۱۴. اندازهٔ قامت زرافه (۰/۲۵) شش متر است. (۰/۲۵)
۱۵. خدا در زمین از رحمت یک بخش را (۰/۲۵) نازل کرد (۰/۲۵) و از آن مردم به هم مهربانی می‌کنند. (۰/۲۵)
۱۶. پیام اسلام در گذر زمان‌ها براساس منطق (۰/۲۵) استوار بود. (۰/۲۵)
۱۷. گزینهٔ «۲» (۰/۲۵) ۱۸. گزینهٔ «۱» (۰/۲۵)
۱۹. استخوان پوسیدهٔ مرا (۰/۲۵)، دوستی / عشق (۰/۲۵)، می‌یابی (۰/۲۵)
۲۰. هدیه‌های (۰/۲۵)، آوردند (۰/۲۵)، نپذیرفت (۰/۲۵)
۲۱. مشاهده می‌کرد (۰/۲۵) ۲۲. آزموده (۰/۲۵)
۲۳. سوت می‌زند (۰/۲۵) ۲۴. دشمنانم (۰/۲۵)
۲۵. مزدور (۰/۲۵) ۲۶. وزید (۰/۲۵)
۲۷. آب‌ها (۰/۲۵) ۲۸. گردباد (۰/۲۵)
۲۹. ماضی (۰/۲۵) ۳۰. مضارع (۰/۲۵)
۳۱. ماضی (۰/۲۵) ۳۲. نهی (۰/۲۵)
۳۳. گزینهٔ «۲» (۰/۲۵) ۳۴. گزینهٔ «۱» (۰/۲۵)
۳۵. ریشخند نکنند - بهتر از خودشان (۰/۵)
۳۶. لا تَفْرَقُوا (۰/۲۵) ۳۷. استغفر (۰/۲۵)
۳۸. تشریف (۰/۲۵) ۳۹. يُجَالِسُ (۰/۲۵)
۴۰. تَعَلَّمَ (۰/۲۵) ۴۱. اِكْتَسَبَ (۰/۲۵)
۴۲. اِجْتَمَعْتُمْ (۰/۲۵) - تَجْتَمِعُونَ (۰/۲۵) - اِجْتَمِعُوا (۰/۲۵) - اِجْتِمَاع (۰/۲۵)
۴۳. تَنْقَلِبُونَ (۰/۲۵) - لا تَنْقَلِبُوا (۰/۲۵) - اِنْقَلَبُوا (۰/۲۵) - اِنْقِلَاب (۰/۲۵)
۴۴. المَنْكَبَر (۰/۲۵) ۴۵. الرِّجْلُ (۰/۲۵)
۴۶. التَّصِيحَةُ (۰/۲۵) ۴۷. أربعة (۰/۲۵)
۴۸. يَضْفَرُ: يَصَوِّتُ بِفِيهِ وَ شَفْتِيهِ. (۰/۲۵)
۴۹. الموسوعة: معجمٌ كبيرٌ جداً ... (۰/۲۵)
۵۰. الموحّد: من يَعْتَقِدُ بوحدانيةِ الله. (۰/۲۵)
۵۱. المُخْتال: في مشيه متكبّر. (۰/۲۵)
۵۲. نعم لي مَعْلُومَاتٌ عَنْهُ. (۰/۲۵)
۵۳. في الحقيبةِ فُرْشاةُ الأسنانِ والمِنْشَفَةُ ... (۰/۲۵)
۵۴. أَلَا نَسَبَ مَعْبُودَاتِهِمْ. (۰/۲۵)
۵۵. يُوَكِّدُ عَلَى حَرْيَةِ العقيدةِ. (۰/۲۵)
۵۶. معبودات (۰/۲۵)
۵۷. فاعل (۰/۲۵)